

احسان رسولی‌نژاد^۱

زهره سادات فیروزی^{*۲}

چکیده:

در این پژوهش سعی شده است اقتصاد سیاسی ترکیه و نقاط قوت و نقاط ضعف آن طی سال‌های ۲۰۲۲-۲۰۰۲ در چارچوب داده‌های آماری، بررسی شود. در ابتدای پژوهش، مقدمه‌ای از تعاریف مفاهیم اصلی داریم و در بخش مبانی نظری از تئوری نئولیبرالیسم کمک گرفته و به بررسی تأثیر سیاست اقتصادی بر رشد اقتصادی، تورم و گردشگری پرداخته‌ایم. اینکه آیا اقتصاد سیاسی ترکیه طی این سال‌ها موفق عمل کرده است یا خیر سؤال اصلی این پژوهش را شامل می‌شود. فرضیه بر این مبنا قرار دارد که اقتصاد درهای باز، سیاست‌های اتخاذی و اعمالی حزب حاکم عدالت و توسعه بر موفقیت اقتصاد سیاسی ترکیه تأثیر مثبت داشته است. با روش مقایسه‌ای و بررسی داده‌های مربوط به رشد اقتصادی و تورم طی سال‌های مذکور می‌توان به این نتیجه رسید که اصلاحات اقتصادی انجام شده در این دوره و سیاست‌های اجرایی در زمینه خصوصی‌سازی و سرمایه‌گذاری در ورود ترکیه به اقتصاد جهانی مؤثر عمل کرده است. **واژگان کلیدی:** اقتصاد، اقتصاد سیاسی، نئولیبرالیسم، اقتصاد جهانی، اصلاحات اقتصادی

JNIS-2301-1092

^۱ - دانشیار دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات جهان، گروه مطالعات ترکیه، دانشگاه تهران، تهران، ایران: نویسنده مسئول

Zahrafirouzi.sf@gmail.com

تاریخ دریافت : ۱۴۰۱/۰۴/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹

از دهه ۱۹۸۰، روند جهانی شدن شروع شده است. تمامی کشورهای بزرگ صنعتی شروع به اجرای سیاست‌های اقتصادی لازم برای آزادسازی بازارهای مالی خود کرده‌اند. در این فرآیند بسیاری از کشورهای در حال توسعه از کشورهای صنعتی پیروی کردند. جهانی شدن؛ به توسعه یکپارچگی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و گسترش برخی ارزش‌های مشترک در سراسر جهان از طریق عبور از مرزهای محلی و ملی اشاره دارد. در واقع جهانی شدن باعث تغییرات قابل توجهی در ساختار، عملکرد و پیوندهای داخلی اقتصاد جهانی است که منجر به یکپارچگی شدیدتر اقتصادها و وابستگی متقابل آنها می‌شود. (Adıgüzel, 2013)

حزب عدالت و توسعه که با انتخابات ۲۰۰۲ به قدرت رسید، سیاست‌های اقتصادی غرب محور دوره قبل را در پیش گرفت. پس از به قدرت رسیدن، ترکیه به «ترکیه جدید» در اقتصاد، سیاست، سیاست خارجی و سایر زمینه‌ها تبدیل شد. برنامه‌ی گذار به اقتصاد قوی را پذیرفت و به اجرای آن ادامه داد و سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی خود را در راستای مذاکرات نزدیک با نهادهایی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در پیش گرفت؛ تحولات ساختاری که دولت در این دوره به خصوص در اقتصاد انجام داد، حزب عدالت و توسعه را برای سه دوره متوالی به قدرت رساند. (Karagöl, 2013)

در حال حاضر ریاست این حزب را رجب طیب اردوغان برعهده دارد. اردوغان همزمان به عنوان رئیس‌جمهور ترکیه نیز به فعالیت سیاسی خود مشغول است. از ابتدای روی کار آمدن عدالت و توسعه، اعضای آن همواره طرفدار غرب بوده و ارتباط با آمریکا را در طول زمان حفظ کرده‌اند. در طول حاکمیت این حزب برنامه‌های اقتصادی متفاوتی در جهت رشد و توسعه اقتصادی درپیش گرفته شده است که در این پژوهش به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

ادبیات موضوع

سید احمد موثقی در مقاله خود با عنوان اقتصاد سیاسی ترکیه در فاصله سالهای ۱۹۵۰-۱۹۲۰ به بررسی تغییرات اقتصادی- اجتماعی ترکیه از منظر اقتصاد سیاسی در این بازه زمانی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که علی‌رغم رشد اقتصادی در پیوند با بازار جهانی و افزایش صادرات و کسب درآمد ملی بیش‌تر، فرایند انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری مجدد با جهت‌گیری ملی و با حضور قوی طبقات اجتماعی مولد و مستقل صورت نگرفت و لذا توسعه اقتصادی و صنعتی محقق نشد. (موثقی، ۱۳۸۰)

محمدرضا غائبی در پژوهش خود، اقتصاد سیاسی روابط ایران و ترکیه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه را مورد بررسی قرار می‌دهد و سیاست‌های اقتصادی ایران و ترکیه در مقابل هم را

می‌شمارد؛ او به این نتیجه می‌رسد که بسط و تقویت روابط دو کشور در حوزه انرژی می‌تواند نقطه آغاز مطلوبی برای گسترش روابط دو کشور در حوزه‌های سیاسی مورد علاقه مشترک نیز باشد. (غائبی، ۱۳۹۵)

در مقاله اقتصاد سیاسی توسعه ترکیه، نویسندگان به بررسی تغییرات سیاست‌های اقتصادی ترکیه در دوره‌های مختلف (قبل از اوزال، دوره اوزال، بعد از اوزال و دوره حزب عدالت توسعه) در بازه زمانی ۲۰۱۰-۱۹۸۰ پرداخته‌اند و عوامل داخلی و خارجی را در اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مورد مقایسه قرار داده‌اند. (زاهدی و سرپرست سادات، ۱۳۹۷)

آثار سیاست دولت بر توسعه اقتصادی ترکیه و ادغام آن در اقتصاد جهانی (۲۰۱۷-۱۹۹۰)، عنوان مقاله‌ای است که نویسندگان آن توسعه اقتصادی را یکی از اهداف برجسته دولت‌های توسعه گرا، به ویژه اقتصادهای نوظهور بیان کرده‌اند و نتیجه کلی مقاله نشان می‌دهد که ترکیه با انجام اصلاحات ساختاری در نهادهای اقتصادی خود و نیز همگرایی با نظام بین‌الملل و نهادهای اقتصادی بین‌المللی، چنانکه شاخص‌های اصلی اقتصادی این کشور نشان می‌دهد، در روند توسعه اقتصادی و ادغام در اقتصاد جهانی، موفق بوده است. (کشیشیان سیرکی و سهیلی نجف آبادی، ۱۳۹۸)

در مقاله

Demokrat Parti (DP) ile Adalet ve Kalkınma Partisi (AKP)'nin ekonomi politikaları açısından karşılaştırılması The comparison of Democratic Party (DP) and Justice and Development Party (AKP) in terms of economy policies نویسنده به مقایسه سیاست اقتصادی حزب عدالت و توسعه و حزب دموکرات ترکیه پرداخته است. بدین منظور پس از بحث در مورد تاریخچه سیاسی هر دو حزب، سیاست‌های اقتصادی احزاب از نظر سیاست‌های اقتصادی DP و AKP مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرد. نتایج نشان می‌دهد که هر دو حزب به آزادسازی در اقتصاد اهمیت می‌دهند، اما سهم دولت در اقتصاد طی دوره DP افزایش و در دوره AKP کاهش یافته است. (Özdemir, 2013)

نویسنده مقاله “Dış Politika Değişimi: AKP Dönemi Türk Dış Politikası” (تغییر سیاست خارجی: سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه)، بیان می‌کند رشد اقتصادی و محیط ثبات سیاسی نسبی که تحت حاکمیت حزب عدالت و توسعه به دست آمد نیز به غرب‌گرایی ترکیه در این دوره کمک کرده است. همچنین او معتقد است که در این دوره، ترکیه می‌خواهد با سیاست خارجی فعال و همه جانبه‌اش از فرصت‌های در حال گسترش خود حداکثر استفاده را ببرد و بدین ترتیب خود را تبدیل به یک قدرت مهم در منطقه کند. (Kaya, 2015)

در مقاله “AKP İktidarları Döneminde Dış Politika” (سیاست خارجی در دوران حکومت

حزب عدالت و توسعه، نویسندگان سیاست خارجی ترکیه را از سال ۲۰۰۲ که حزب عدالت و توسعه به قدرت رسید تا به امروز تحلیل کرده و نقطه‌ای را که امروز به آن رسیده ارزیابی کرده‌اند، اینطور بیان می‌کنند: حزب عدالت و توسعه در حوزه سیاست خارجی یک دستور کار مخفی اسلام-گرایانه دارد، در سالهای اول حکومتش سیاستی را که در محور اتحادیه اروپا با غرب روبرو بود دنبال می‌کرد و از فرصت‌هایی که به دست آورد برای پیشبرد اسلام‌گرایی خود استفاده کرده است. (Ersoy & Hasgöl, 2015)

در این پژوهش به بررسی سیاست اقتصادی ترکیه از منظر اصلاحات اقتصادی در دوره حزب عدالت و توسعه و با تأکید بر دوره ریاست جمهوری رجب طیب اردوغان پرداخته شده است. در تحقیق انجام شده با توجه به داده‌های موجود در بانک جهانی و سایت انجمن آژانس‌های مسافرتی ترکیه (TÜRSAB) میزان کاهش تورم و افزایش گردشگری از طریق اتخاذ سیاست‌های دولت نشان داده شده است که به کارآمدی سیاست اقتصادی AKP اشاره دارد.

۱- ترکیه کشوری در حال توسعه

کشور در حال توسعه را می‌توان کشور رو به رشد یا کشوری با استانداردهای نسبتاً پایین زندگی تعریف کرد. در اینگونه کشورها پایه صنعتی توسعه نیافته است و شاخص توسعه انسانی در سطح پایینی قرار دارد. خصوصیات کشورهای در حال توسعه را می‌توان چنین برشمرد:

- ۱- فقر عمومی؛ نسبت بالایی از جامعه نزدیک به خط فقر و پایین این خط زندگی می‌کنند.
 - ۲- سهم بالای کشاورزی؛ کشاورزی نسبت به صنعت از سهم بیش‌تری برخوردار است.
 - ۳- رشد جمعیت؛ رشد جمعیت تقریباً بالای نیم درصد است.
 - ۴- دوگانگی اقتصادی- اجتماعی: مسائل اقتصادی و اجتماعی باهم متفاوت هستند و هیچوقت اقتصاد کمک به رشد و شکوفایی انگیزه‌ها و پتانسیل‌های اجتماعی جامعه نمی‌کند.
 - ۵- اقتصاد تک پایه: بیش‌تر این اقتصادها مبتنی بر انرژی هستند.
 - ۶- کمبود سرمایه فیزیکی و انسانی: این کشورها اغلب نیاز به واردات فناوری، سرمایه و ماشین آلات از غرب هستند و حتی نیاز به نیروی ماهر و دانش بنیان انسانی دارند.
 - ۷- تمرکز اداری، اقتصادی و سیاسی: تمرکز در یک شهر به نام پایتخت است.
- با توجه به مواردی که ذکر شد می‌توان ترکیه را کشوری در حال توسعه در نظر گرفت که در عین تجربه توسعه اقتصادی طی سال‌های متمادی، با مشکلاتی نظیر تورم، بیکاری، مشکلات اجتماعی و ... روبرو است.

۲- توسعه اقتصادی

بلاک، توسعه اقتصادی را چنین مطرح می‌کند: دستیابی به تعدادی از هدف‌های نمایان مطلوب

و نوسازی از قبیل افزایش بازدهی تولید، ایجاد برابری‌های اجتماعی و اقتصادی، کسب دانش و مهارت‌های جدید، بهبود در وضع نهادها یا به طور منطقی دستیابی به سیستم موزون و هماهنگ از سیاست‌های مختلف که بتواند انبوه وضعیت نامطلوب یک نظام اجتماعی را برطرف سازد. برای تعریف توسعه اقتصادی پروفسور جرالد مییر می‌نویسد: توسعه اقتصادی عبارت است از فرآیندی که به موجب آن درآمد واقعی سرانه در یک کشور و در دورانی دراز مدت افزایش می‌یابد. (بروکس و وین ایوانز، ۱۳۸۶) مایکل تودارو توسعه را اینگونه تعریف می‌کند: توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت‌های اجتماعی طرز تلقی عامه مردم و نهاد-های ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. (نراقی، ۱۳۷۹)

اگر بخواهیم به تفاوت رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی بپردازیم می‌توان گفت رشد اقتصادی صرفاً پدیده‌ای کمی است. حال آنکه توسعه، پدیده‌ای مرکب از جنبه‌های کمی و کیفی می‌باشد. در حقیقت توسعه اقتصادی علاوه بر آنکه رشد اقتصادی را در بر بگیرد ابعاد کیفی دیگر نظیر تغییرات بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی را نیز در خود دارد. در توسعه اقتصادی بهبود در عوامل - چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی - بهبود روش‌های تولید، تغییر ارزش-ها و تغییر وجهه نظرها نیز به چشم می‌خورد اما رشد اقتصادی این چنین نیست.

۳- اهداف توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی دو هدف اصلی را شامل می‌شود:

- افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه و ریشه‌کنی فقر
- ایجاد اشتغال

۴- اقتصاد سیاسی

اقتصاد سیاسی ترکیب دو کلمه‌ی اقتصاد و سیاست است که در واقع تعامل همیشگی اقتصاد و سیاست را نشان می‌دهد. می‌توان گفت اقتصاد سیاسی مربوط به مدیریت امور اقتصادی توسط دولت است و در جهت رشد و توسعه اقتصادی یک کشور تأثیر بسزایی دارد؛ از این‌رو کشورهای مختلف جهان، متناسب با شرایط، فرصت‌ها، ساختار حکومتی و فرهنگ اجتماعی خود، استراتژی-های توسعه اقتصادی مختلفی را در پیش گرفته‌اند. این استراتژی‌ها به طور کامل قابل تفکیک نیستند بلکه طیفی را تشکیل می‌دهند و در مدیریت امور اقتصادی دولت نقش چشمگیری دارند. هسته اصلی اقتصاد سیاسی بین‌المللی، تعامل پیچیده میان اقتصاد و سیاست - دولت و بازار در بستر فضای بین‌المللی است. بشر برای تداوم بقای خویش و به منظور تامین نیازهایش وارد بازار می‌شود. در این میان دولت به مناسبات حاکم بر این بازار نظم می‌بخشد و افراد براساس

سرمایه خود به برطرف کردن خواسته‌های ضروری‌شان می‌پردازند. در این جا رابطه سه گانه‌ای میان سرمایه، اقتصاد و قدرت سیاسی برقرار می‌شود.

مانند هر کشوری، در ترکیه نیز بخش‌هایی است که محصولاتی را تولید و بخشی از این محصولات را صادر می‌کنند. کالاها و خدماتی که در کشور وجود ندارند و یا در تعداد محدودی وارد می‌شوند. برای اینکه روابط تولید، توزیع و مصرف که اساس اقتصاد را تشکیل می‌دهد، به شکل سالم ادامه یابد، دولت باید سیاست‌های خاصی را اتخاذ کند. این سیاست‌ها ممکن است بسته به شرایط اقتصادی کشور و تحولات جهان تغییر کند. سیاست‌های اقتصادی جمهوری ترکیه نیز در این چارچوب تغییر کرده است. ترکیه طی سال‌های اخیر با نفوذ در منطقه و گسترش روابط اقتصادی با دیگر کشورها به ایجاد بازارهای جدید و مشترک روی آورده است. به عنوان مثال ترکیه با نفوذ نظامی بر شمال عراق توانسته حمایت مردم این منطقه را در تقاضای کالای ترک افزایش دهد. همچنین خطوط انتقالی نفت و گاز از عراق به ترکیه نیز بر بهبود روابط تجاری ترکیه تأثیر بسزایی داشته است.

۵- مبانی نظری

۵-۱- نظریه نئولیبرالیسم

نئولیبرال‌ها به این دیدگاه خوشبینانه دانش پژوهان عصر روشنگری که در اقتصاد سیاسی بریتانیا در سده نوزدهم بازتاب یافت، اعتقاد دارند. سرشت انسان ذاتاً نیک است و می‌تواند صلح را از طریق کنش‌های همکاری‌آمیز تحقق بخشد. بر اساس این نظر، سیاست عقلایی سیاستی است که در آن افزایش اتکا به کنش‌های دیگران وجود داشته باشد. این همانا مبنای نظریه‌های وابستگی متقابل است. از نظر نئولیبرال‌ها دولت، حاکمیت‌دار است ولی یک کنشگر مستقل نیست. براساس تفکر آن‌ها، همه دولت‌ها نه از منازعه بلکه از همکاری سود می‌برند. موضع نئولیبرالی این است که منافع ملی نه در سناریوی واقع گرایانه (جنگ همه علیه همه) بلکه در یک محیط همکاری‌آمیز و مشارکت‌آمیز به شکل بهترین انجام می‌شود. نئولیبرال‌ها همچنین منتقد این ایده هستند که منفعت ملی برحسب امنیت سرزمینی و نظامی تعریف می‌شود؛ در عوض هیچ منفعت ملی ثابت یا منسجمی وجود ندارد چرا که منفعت ملی تغییر می‌کند و بازتاب دهنده جایگاه‌های گروه‌های داخل و خارج دولت است.

نئولیبرالیسم از نظر نوآوری‌هایی که به وجود می‌آورد، کل جهان را به یک سطح بازار واحد کاهش داده و میدان را به نهادهای جهانی واگذار کرده‌اند؛ به همین دلیل است که این دوره به عنوان دوره جهانی نیز شناخته می‌شود. اکنون در نظم جهانی که ارمغان لیبرالیسم است همه کشورها در جهان ادغام شده‌اند و برای کسب جایگاه مناسب در اقتصاد یکپارچه جهانی با یکدیگر رقابت

می‌کنند، چرا که ویژگی سیستم نئولیبرالی اینگونه ایجاب می‌کند. هر کشوری می‌خواهد با استفاده از سیاست دولتی در عین تلاش برای ادغام در اقتصاد جهانی به موقعیت مطلوبی برسد. (Şaylan, 2003)

گزاره اساسی نئولیبرالیسم، که اساساً یک نظریه اقتصادی-سیاسی می‌باشد، این است که برای دستیابی به بالاترین سطح رفاه، بشریت باید کارآفرینی فردی را آزاد کند، حقوق مالکیت را تضمین کند، تجارت باید هم در داخل و هم بین کشورها آزاد باشد، بازار باید در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تسلط داشته باشد و در اصل یک تجارت آزاد را تشکیل دهد. (Harvey, 2005)

تنها معیار موفقیت اقتصاد بازار مبتنی بر بازار نئولیبرالی سود است. این سیستم که تحت گفتمان‌هایی مانند کارایی اقتصادی و اعتماد بازار ساخته شده است، هرگونه محدودیت اجتماعی، اداری یا قانونی در دستیابی به سودآوری سرمایه را که تنها معیار منطقی معرفی می‌شود، غیرمنطقی می‌داند و معتقد است که باید حذف شود. (Yeldan, 2003 & Köse, Şenses) اجرای سیاست‌های نئولیبرال از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و خود نئولیبرالیسم در طول زمان تکامل یافته است. مهم‌ترین دلیل این تغییر، چه از نظر جغرافیایی و چه زمانی، نگرانی‌های سیاسی است.

۵-۲- سیاست اقتصادی حزب عدالت و توسعه

AKP با رویکردهای جدید، سیاست خارجی خود را در مقیاس جهانی و منطقه‌ای گسترش داد. بسته به گسترش سیاست خارجی، ترکیه اقداماتی مانند حذف روادید، افتتاح سفارتخانه‌های دیپلماتیک، امضای قراردادهای تجارت آزاد در چارچوب رویکردهای جدید را آغاز کرده است. در این زمینه، مهم است که دقیقاً مشخص شود که نوآوری در سیاست خارجی چیست. فرآیند جهانی شدن، سیاست خارجی را از قلمرو سیاست بین‌الملل خارج کرده و این رابطه را به دنیای تجارت و جامعه مدنی گسترش داده است. تحولات در فناوری اطلاعات، تجارت و تعاملات را سرعت بخشیده؛ این امر قدرت نرم را به عنوان ابزار سیاست خارجی برجسته کرده است. (Ağca, 2016)

می‌توان گفت سیاست خارجی اتخاذ شده توسط دولت می‌تواند بر توسعه اقتصادی تأثیر بگذارد و اگر سیاست مؤثری باشد در افزایش رشد اقتصادی کشور نیز نقش‌آفرینی داشته باشد. تمایل به همکاری با غرب، سیاست تنش صفر با همسایگان، ائتلاف با دولت‌های طرف اختلاف، همگی تحت تأثیر روابط اقتصادی شکل می‌گیرند.

وضعیت جدیدی که به روی تجارت و تعامل فرهنگی در امنیت بوجود آمده، هم در ترکیه و هم در جهان مؤثر واقع شده است. این منطق آزادسازی اقتصاد و سیاست بر سیاست‌گذاری حزب عدالت و توسعه نیز تأثیر گذاشت. حزب عدالت و توسعه با محور قرار دادن تفکر لیبرال، مبارزه حقوقی مبتنی بر آزادی افراد را گسترش داد و در نتیجه فضای اجتماعی مناسبی را برای حرکت-

های توسعه‌ای ایجاد کرد؛ به دنبال آشتی دادن تفاوت‌ها با درک آزادی افراد، دولت محدود و شیوه زندگی، درک بازار آزاد را توسعه داد. در پرتو پویایی جهانی و ملی، AKP از درک سیاست خارجی کلاسیک فاصله گرفت و ذهنیت و بینش جدیدی را در سیاست خارجی منطبق با شرایط جدید معرفی کرد. (Ağca, 2016)

بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ پیشرفت بزرگی در زمینه جذب سرمایه خارجی، تنوع بازار، ادغام منطقه‌ای و در نهایت استفاده فعال از جامعه مدنی و دنیای تجارت صورت گرفته است. حزب عدالت و توسعه نسبت به دولت‌های قبلی، فضای بیشتری برای مانور در سیاست خارجی داشته است. از سال ۲۰۰۲، اقدامات اقتصادی حزب عدالت و توسعه به شکل وضع مقررات جدید در سیستم بانکی، اجرای سیاست‌های مالی سختگیرانه و تسریع در خصوصی‌سازی صورت گرفت. (Eroğlu, 2003) ویژگی اساسی که این دوره را از دوره قبل متمایز می‌کند خصوصی‌سازی است که در تصمیمات اجرایی نیز به آن اشاره شده است. در حالیکه مبلغ به دست آمده از خصوصی‌سازی بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۲ بالغ بر ۸ میلیارد دلار بوده، این میزان بین سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۲ بالغ بر ۳۳ میلیارد دلار بوده است. (Bayrak & Kanca, 2013)

در روند عضویت اتحادیه اروپا، سیاست‌های هماهنگ با اروپا در حوزه اقتصاد بر سیاست‌های اقتصادی کشور در این دوره تأثیر گذاشت. این ساختار باعث شد که کشور در روند یکپارچگی با سیستم جهانی، سرعتی سریع داشته باشد. بر اساس داده‌های ارائه شده توسط Boratav، نسبت سرمایه خارجی به کل درآمد ملی بین سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۷ به طور متوسط ۳,۴ درصد، در سال ۲۰۰۰، ۸,۱ درصد و بین سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۷، ۹,۸ درصد بوده است. همانطور که از اعداد و ارقام مشخص است، ادامه روند افزایش نرخ سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب روابط با صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که کشور در یک روند نئولیبرالی پیش می‌رود. (Boratav, 2013)

بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷، دوره‌ای از رشد پایدار وجود داشت. تولید ناخالص ملی (GNP) در سال ۲۰۰۷ در مقایسه با سال ۲۰۰۲ تقریباً ۲,۵ برابر افزایش یافت. صادرات از ۳۶ میلیارد دلار به ۱۰۷ میلیارد دلار و واردات از ۵۰ میلیارد دلار به ۱۷۰ میلیارد دلار افزایش یافت. (Bayrak & Kanca, 2013) اقتصاد ترکیه که با نظام جهانی ادغام شده بود، در این دوره ارزش صادرات و واردات خود را افزایش داد، اما کمبود زیرساخت‌ها به ویژه در حوزه انرژی باعث کاهش نسبت صادرات به واردات شد. همانند بسیاری از کشورها ترکیه نیز از بحران اقتصادی جهانی که در سال ۲۰۰۸ پدیدار شد، متأثر شد و روند رشد اقتصادی این کشور کاهش یافت. (SAKARYA, 2014)

بین سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۲، رشد اقتصادی بر اساس نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (GDP)، به طور متوسط ۶/۵ درصد بود؛ به دلیل بحران جهانی در سال ۲۰۰۸، ۰/۷ درصد و در سال ۲۰۰۹، ۴- درصد رشد کرد که پایین‌ترین سطح آن دوره است. اقتصاد که در سال ۲۰۱۰، ۹،۲ درصد و در سال ۲۰۱۱ رشد ۸،۵ درصدی داشت، در دوره‌های بعدی نیز به این روند ادامه داد و رشد پیش از بحران خود را حفظ کرد. (Karagöl, 2013) ترکیه که با این موفقیت، تحسین بزرگی دریافت کرد، به عنوان الگو برای سایر کشورهای در حال توسعه مطرح شد.

از سال ۲۰۱۴، شروع دوره اول ریاست جمهوری، اردوغان برای تحریک اقتصاد، تقویت رشد، صادرات و ایجاد شغل بر کاهش نرخ سودهای بانکی تأکید می‌کند. تأکید اردوغان بر کاهش نرخ بهره به روحیه مربوط به اسلام‌گرایی وی برمی‌گردد؛ همچنین حمایت اردوغان از اقتصاد بازار آزاد به نوعی به استفاده‌ی او از استراتژی اقتصاد باز در برنامه‌ی توسعه اقتصادی کشورش برمی‌گردد.

۶- استراتژی اقتصاد باز

این استراتژی نگاه به خارج دارد و در برخی از موارد همچون استراتژی پولی عمل می‌کند. این استراتژی نیز برای تخصیص منابع به نیروهای بازار و بخش خصوصی متکی است اما با تأکید بر سیاست‌هایی که مستقیماً بخش تجارت خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ مانند سیاست‌های نرخ مبادله ارز، مقررات تعرفه‌ای، سهمیه‌ها و موانع غیر تعرفه‌ای بر تجارت و سیاست‌هایی که سرمایه‌گذاری خارجی و بازگشت سود این سرمایه‌گذاری‌ها به خارج را تنظیم می‌کنند که در این زمینه‌ها با استراتژی پولی متفاوت است.

در استراتژی پولی نگاه، بیش‌تر به داخل است و هدف به تعادل رساندن اقتصاد از طریق عوامل داخلی می‌باشد ولی در استراتژی اقتصاد باز تعادل در اقتصاد از طریق همگرا شدن بیش‌تر با اقتصادهای منطقه و جهان به واقعیت می‌پیوندد. یعنی هر چقدر بتوان نقش و بازیگری خارجی را در اقتصاد بیش‌تر کرد، اقتصاد به تعادل و در نتیجه به توسعه بالاتر و والاتری خواهد رسید.

۶-۱- اقتصاد بازار آزاد

بازار آزاد، بازاری اقتصادی می‌باشد که رقابت در آن تأمین کننده است. این رقابت به قوانین عرضه و تقاضا اجازه می‌دهد که محصولات و خدماتشان را به صورت مستقیم تأمین کنند.

- عرضه شامل منابع طبیعی، سرمایه و نیروی کار

- تقاضا شامل خرید توسط مصرف‌کنندگان، کسب و کار دولت. (Kazancı, 2016)

با در پیش گرفتن سیاست بازار آزاد و تصویب قانون خصوصی سازی در سال ۲۰۰۳ ترکیه گام مهمی در مسیر جذب سرمایه خارجی برداشت. به همین دلیل است که امروزه ۸۰ درصد اقتصاد ترکیه مربوط به بخش خصوصی‌سازی است و سهم دولت کمتر از ۲۰ درصد است. یکی از نکات

کلیدی که برای اقتصاد بازار آزاد مطرح است. سیستم اقتصادی تنها بر پایه مبادله داوطلبانه و قوانین عرضه و تقاضا، بدون دخالت دولت بنا شده است. از دیگر نکات می‌توان به غیاب معاملات اجباری یا محدودیت‌های ناظر بر معاملات بازار آزاد اشاره کرد.

- رویکردها و برنامه‌های حزب عدالت و توسعه

۱- گشایش اقتصاد به روی سرمایه‌های خارجی و شرکت‌های چندملیتی

۲- تعامل سنت و مدرنیسم

۳- تعادل ایدئالیسم و رئالیسم

۶-۲ - گشایش اقتصاد به روی سرمایه‌های خارجی و چند ملیتی

تجارت خارجی که اغلب با سرمایه‌گذاری مستقیم بخش خصوصی خارجی تکمیل می‌شود، به عنوان بخش پیش‌تاز یا موتور رشد در نظر گرفته می‌شود. استراتژی‌هایی که دارای جهت‌گیری صادراتی می‌باشند به دنبال استفاده از مزیت نسبی بین‌المللی کشور هستند و در همین راستا به استفاده کارا و اثربخش منابع دست می‌یابند.

بعد از مسئله فلسطین و حمایت ترکیه و شخص اردوغان از مردم این کشور اعراب زیادی جهت سرمایه‌گذاری به ترکیه روی آوردند که همین مورد تغییراتی در وضع اقتصادی ترکیه به وجود آورد. کاهش نرخ بیکاری از طریق اشتغال افراد در شرکت‌های خارجی و به کارگیری در پروژه‌های خارجی، افزایش رشد اقتصادی از طریق جذب سرمایه خارجی از قبیل این موارد هستند. خصوصی‌سازی و حذف موانع پیشین در سرمایه‌گذاری نیز از موارد جذب و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی محسوب می‌شوند. خصوصی‌سازی اقتصادی که از دوران به قدرت رسیدن اوزال در ترکیه به شکل واقعی آغاز شده بود، در دوران حزب عدالت و توسعه به اوج رسید. شکل‌گیری قطب اقتصادی آناتولی در رقابت با استانبول که به افزایش خصوصی‌سازی واقعی منجر شد، پیشرفت اقتصادی چشمگیری به ترکیه اعطا کرد. (Andrews, 1999)

۶-۳- اصلاحات اقتصادی حزب عدالت و توسعه

کمال درویش را معمار بزرگ اقتصاد ترکیه نامگذاری کرده‌اند. او کسی است که برای توسعه اقتصادی ترکیه، سند راهبردی چشم‌انداز ۲۲ ساله تهیه کرد و اصلاحات نهادی اساسی اقتصادی را هدایت کرد. اصلاحاتی که درویش در ترکیه پایه‌گذاری کرد، همچنان در دولت برآمده از حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان به قوت خود باقی‌است. این اصلاحات در سه بخش سیاست‌گذاری اقتصاد کلان، سیاست‌گذاری پولی و سیاست‌گذاری ارزی به صورت نهادی انجام شده‌است. بر این اساس دولت در سطح کلان با بهره‌گیری از ۴ ابزار:

الف) گسترش بخش خصوصی و افزایش رقابت

گسترش بخش خصوصی و افزایش رقابت، استراتژی اصلی ترکیه در اقتصاد کلان محسوب می‌شود. ترکیه در سیاست‌های خصوصی‌سازی خود با به کارگیری جلب حمایت مردمی، شفافیت در سیاست‌گذاری و اجرا، ثبات اقتصادی و سیاسی و حمایت قوی دولت از بخش خصوصی توانسته تا حد زیادی در این مسیر موفق عمل کند. خصوصی‌سازی به طور مشخص از میانه دهه ۸۰ میلادی در دستور کار سیاست‌های اقتصادی ترکیه قرار گرفت. خصوصی‌سازی ترکیه از یک سو به کاهش هر چه بیش‌تر مداخله دولت در فعالیت‌های اقتصادی و کاهش بار پولی بنگاه‌های اقتصادی دولتی بر بودجه ملی کمک کرده و از سوی دیگر به توسعه بازارهای سرمایه و هدایت مجدد منابع به سوی سرمایه‌گذاری‌های جدید معطوف بوده است.

ب) کاهش تقاضای داخلی و توسعه صادرات

در حزب عدالت و توسعه، دولت با حمایت از صنایع نوپا و داخلی و جایگزین کردن محصولات داخلی به جای محصولات وارداتی استراتژی حمایت‌گرانه‌ای را در تأمین کالاهای مورد تقاضا توسط تولید داخلی در پیش گرفته است.

ج) ایجاد ساز و کار و تشویق برای جذب سرمایه خارجی

از دلایلی که می‌توان به سرمایه‌گذاری در ترکیه اشاره کرد عبارتند از: تحولات منطقه‌ای اخیر و ظهور بازارهای مشترک جدید، وجود مناطق آزاد تجاری در ترکیه، زیرساخت‌های پیشرفته و امکانات ارتباطی، بازار داخلی بزرگ، نیروی کار نسبتاً ارزان. همچنین توافقنامه‌هایی در زمینه ترویج و حمایت متقابل به منظور تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جود دارند که سرمایه، فناوری، مهارت‌های مدیریتی و فرصت ورود به بازارهای مختلف را گرد هم می‌آورند و به عنوان تضمینی برای حمایت از سرمایه‌گذاری‌ها در چارچوب قوانین کشور مربوطه شناخته می‌شوند.

چ) افزایش بهره‌وری و استفاده تکنولوژی

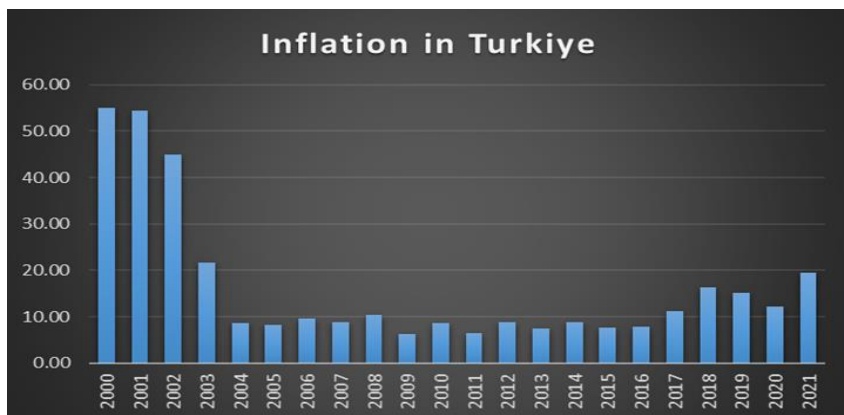
ترکیه با حمایت از تولیدات داخلی خود، ارتقای کیفیت محصولات و صادرات محصولات به کشورهای دیگر توانسته برنامه توسعه و رشد اقتصادی را ادامه دهد. (کشیشیان سیرکی و سهیلی نجف آبادی، ۱۳۹۸) در بخش سیاست‌گذاری پولی نیز در سال‌های اولیه ریاست جمهوری، با هدف‌گذاری ضمنی و تمام‌عیار توانسته نرخ تورم را به زیر ۵ درصد کاهش دهد. در این بخش سرعت بخشیدن به خصوصی‌سازی بانک‌ها، صنایع، بخش‌های خدماتی دولتی، کنترل دستمزدها و کاهش مخارج عمومی به منظور جلوگیری از افزایش کسری بودجه و در نهایت کاهش نرخ تورم از اهداف برنامه بود. بنابراین ترکیه با تکیه بر وام‌های صندوق بین‌المللی پول و اتخاذ سیاست‌های اصلاحی پولی و مالی، بعد از مدت‌ها توانست یک دولت برخوردار از ثبات اقتصادی را ایجاد کند.

در بخش ارزی نیز با تغییر از نظام ارزی ثابت به نظام ارزی شناور همراه با استقلال کامل سیاست- گذاری ارزی، توانسته به احیای ارزش پول داخلی کمک کند. (همان)

۴-۶- پیامد اصلاحات اقتصادی

الف- کاهش تورم

با استفاده از داده‌های موجود در بانک جهانی و رسم نمودار برای بهتر نشان دادن سیر نزولی تورم، بازه زمانی ۲۰۰۰ یعنی دو سال قبل از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه تا سال ۲۰۲۱ را در نظر گرفته شده است که در نمودار ۱ قابل مشاهده می‌باشد. ترکیه در بازه زمانی ۲۰۲۱-۲۰۰۲ تقریباً با سیر نزولی تورم روبرو بوده است. هرچند تورم مربوط به سال ۲۰۲۲ در بانک جهانی موجود نیست ولی بر اساس اعلام‌های رسمی سایت آمار ترکیه (TÜİK) مقدار تورم ترکیه در این سال ۸۴,۳۹ درصد می‌باشد که در مقایسه با تورم ۲۱,۳۱ درصدی سال ۲۰۲۱ مقدار قابل توجهی افزایش داشته است.



نمودار ۱

منبع: data.worldbank.org

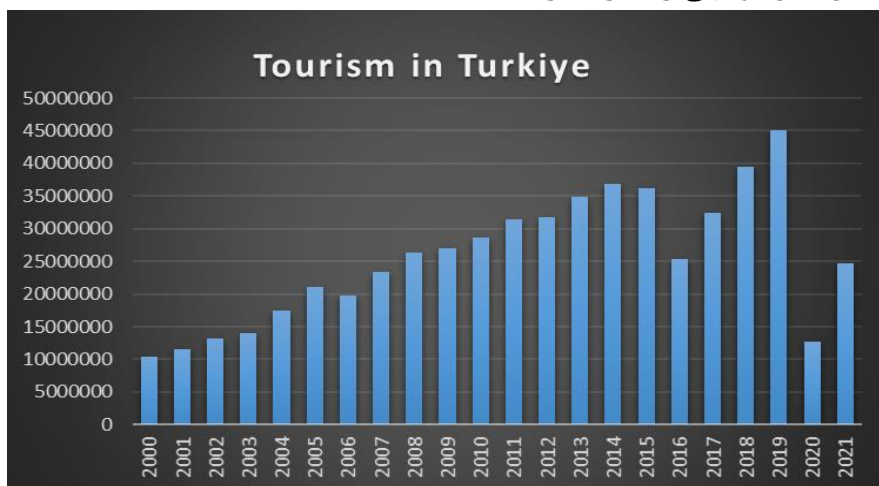
ب) جذب توریسم و حمایت از کشاورزی

سهم بخش کشاورزی در اشتغال، درآمد ملی و تجارت خارجی، تامین نیازهای غذایی جمعیت و تامین مواد اولیه صنعت از جمله بخش‌هایی است که حائز اهمیت می‌باشد؛ به همین سبب هم سیاست‌های کشاورزی مختلفی از جهت حمایت از کشاورزی و اطمینان از کارایی و تداوم در این بخش تدوین شده است.

بخش گردشگری که در دنیای جهانی شدن روز به روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود، حوزه‌ای از فعالیت است که با درآمد ارزی، تأثیر مثبت بر تراز پرداخت‌ها، اشتغال و درآمدهای مالیاتی که ایجاد می‌کند، تأثیر مثبتی بر اقتصاد دارد. گردشگری که شامل انواع مختلفی از خدمات است و افزایش مصرف از آنجایی که به راحتی می‌تواند بر بسیاری از بخش‌های مختلف تأثیر بگذارد، بخشی

است که کشورها اولویت‌بندی می‌کنند و دولت‌ها با سیاست‌ها و شیوه‌های مختلف قصد توسعه بیشتر آن را دارند. حذف روادید، اختصاص سوبسید گردشگری، تبلیغات گسترده از طریق رسانه و اینترنت و ... از اقداماتی است که دولت برای جذب گردشگر در پیش گرفته است.

با توجه به نمودار ۲ مشاهده می‌کنیم که با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، گردشگری از سال ۲۰۰۲ هر ساله شامل رشد بوده ولی در سال ۲۰۱۶ به دلیل کودتای ترکیه گردشگری کاهش قابل توجهی داشته است که بعد از آن دوباره به رشد خود ادامه داده است؛ سپس در سال ۲۰۲۰ نیز به دلیل شیوع ویروس کرونا میزان گردشگری تحت تأثیر قرار گرفته و نسبت به سال ۲۰۱۹ کاهش قابل توجهی را تجربه کرده است.



نمودار ۱: گردشگری ترکیه ۲۰۰۰-۲۰۲۱

منبع: www.tursab.org.tr

۵-۶- قوانین چهارگانه اقتصادی

در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ قوانین چهارگانه اقتصادی در حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی وضع شد که عبارتند از:

- ۱- آزادی سرمایه‌گذاری در ترکیه با حذف موانع پیشین
- ۲- تضمین ضمانت‌نامه‌های موجود در بستری شفاف
- ۳- ارتقای سیاست‌های مبتنی بر سرمایه‌گذاری‌های خارجی در انطباق با استانداردهای بین‌المللی

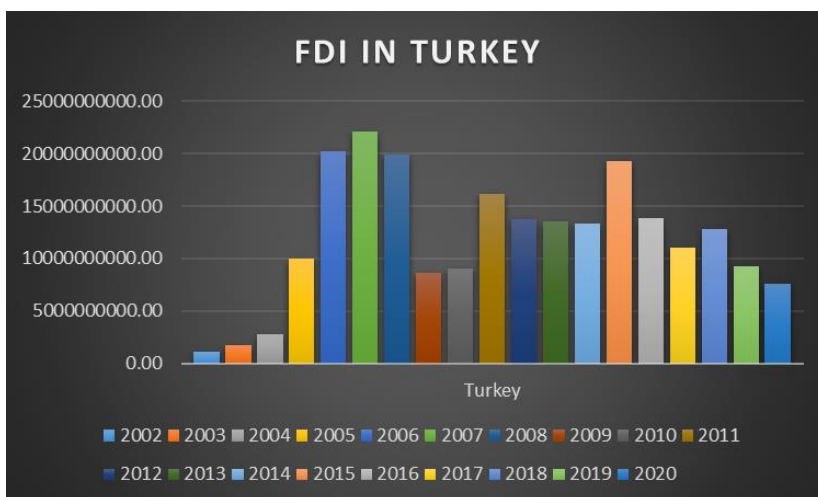
۴- تغییر سیاست کنترل بر سرمایه‌گذاری. (Balassa, 2008)

۶-۶- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در ترکیه

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را می‌توان به عنوان راهی کارآمد برای تأمین مالی کشورها در نظر گرفت. بنابراین، به ویژه کشورهای در حال توسعه اغلب به سیاست‌های تشویقی برای جذب

چنین سرمایه‌گذاری‌هایی روی می‌آورند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نقش مهمی در سیاست‌های رشد و توسعه ترکیه ایفا می‌کند. ترکیه سال‌هاست که برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی در تلاش است و اصلاحات ساختاری متفاوتی را در جهت تسهیل جذب سرمایه خارجی اعمال می‌کند. بر اساس آمار منتشر شده توسط وزارت صنعت و فناوری ترکیه تعداد شرکت‌های دارای سرمایه بین‌المللی در ترکیه در سال ۲۰۰۲، ۵۶۰۰ شرکت و در نیمه اول سال ۲۰۲۲ به ۷۸۲۵۷ شرکت رسیده است. در همین راستا بخشی به عنوان دفتر سرمایه‌گذاری ریاست جمهوری ترکیه ایجاد شده که هدف آن جذب سرمایه‌های خارجی است. این کشور به دلیل دارا بودن بستری مناسب برای سرمایه‌گذاری و نزدیکی آن به بازار مصرفی آسیا یکی از مهمترین کشورها در جذب سرمایه‌های خارجی است. (صارمی و سنایی، ۱۳۹۷)

با توجه به داده‌های موجود در بانک جهانی طی سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۰۲ که حزب عدالت و توسعه بر ترکیه حاکم است، مشاهده می‌کنیم که میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ترکیه از سال ۲۰۰۲ به بعد افزایش چشمگیری داشته است. میزان رشد FDI در نمودار ۳ قابل مشاهده می‌باشد.



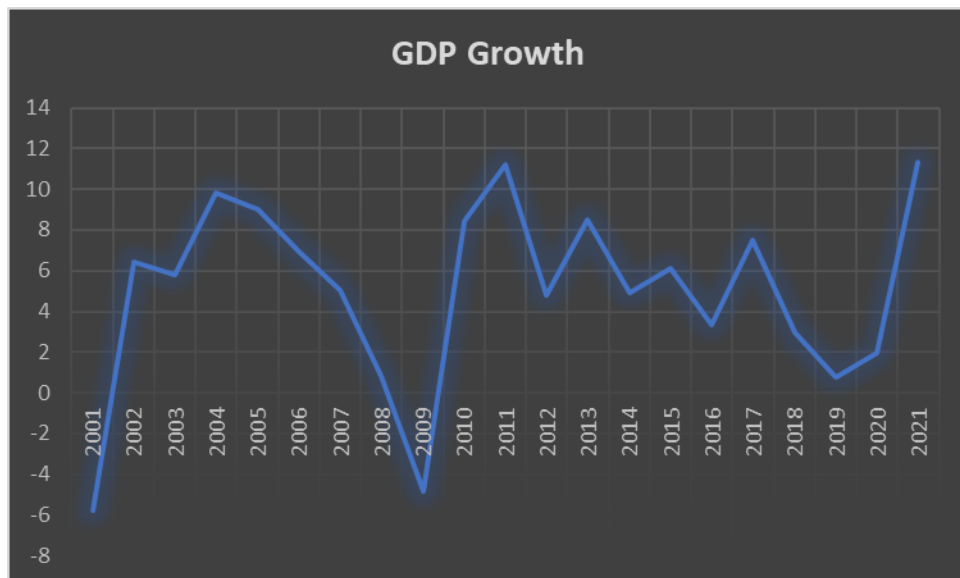
نمودار ۳: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ترکیه ۲۰۰۲-۲۰۲۰

منبع: data.worldbank.org

تصویب قانون حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۲۰۰۳ و به دنبال آن اصلاح زیرساخت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در این کشور سبب شد تا میزان سرمایه‌گذاری خارجی نسبت به سال‌های قبل رشد قابل توجهی داشته باشد. هر چند در سال ۲۰۰۹-۲۰۰۸ به دلیل بحران اقتصادی جهانی مقداری از سرمایه‌گذاری خارجی در ترکیه کاهش پیدا کرده ولی در سال‌های بعد این مقدار جبران شده است.

۷- رشد اقتصادی ترکیه

بر اساس گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهانی صندوق بین‌المللی پول (IMF) در آوریل ۲۰۲۲، ترکیه در سال ۲۰۲۱ با در نظر گرفتن تولید ناخالص داخلی (GDP) بیست و یکمین اقتصاد بزرگ جهان شد. ترکیه که در سال ۲۰۲۱ بیست و یکمین اقتصاد بزرگ جهان بود، در سال ۲۰۲۲ به دلیل تحولات منفی در شاخص‌های اقتصادی، پیش‌بینی می‌شود به رتبه بیست و سوم سقوط کند. بر اساس داده‌های صندوق بین‌المللی پول، از سال ۲۰۰۳ برای اولین بار از لیست ۲۰ اقتصاد برتر خارج شد. سهم ترکیه در اقتصاد جهانی در سال‌های اخیر رو به کاهش بوده است. اقتصاد که در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در رتبه ۲۱ قرار داشت، بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ به هفدهمین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شد و در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به رتبه نوزدهم بازگشت. در سال ۲۰۱۸ ترکیه شاهد رشد ۳ درصدی بوده است. بر اساس آمار سازمان آمار (TÜİK)، ترکیه در میان ۱۵ کشوری در جهان قرار دارد که از رشد بالای ۲٫۵ درصدی در سال برخوردارند. ترکیه در این رده‌بندی در دوران حزب عدالت و توسعه به طور سه سال متوالی بین سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۳ رده شانزدهم اقتصاد بزرگ جهانی را به خود اختصاص داد.



نمودار ۴: رشد اقتصادی ترکیه ۲۰۰۱-۲۰۲۱

منبع: data.worldbank.org

جایگاه بین‌المللی ترکیه در عرصه اقتصادی بسیار قابل توجه است. ترکیه در طول تاریخ پر فراز و نشیبی که در طول این دوران سپری کرده است، توانسته جایگاه بسیار خوبی از نظر اقتصادی در سطح جهانی داشته باشد. این موفقیت مرهون سیاست‌گذاری‌های صحیح دولت در دو دهه گذشته بوده است. بدون شک یکی از دلایلی که باعث افزایش مهاجرت به ترکیه شد، رشد اقتصادی

بوده است. ترکیه به پشتوانه بسیاری از اصلاحات اقتصادی و بانکی مثبتی که بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷ انجام داد، رشد اقتصادی قوی را تجربه کرد و بهتر از بسیاری از کشورها بحران اقتصادی جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ را پشت سر گذاشت و خود را به عنوان یک بازار نوظهور نسبتاً با ثبات نشان داد؛ البته طی چند سال گذشته، اصلاحات اقتصادی و دموکراتیک متوقف شده و با برخی اقدامات از بین رفته است.

توسعه اقتصادی به عنوان یک فرآیند با رشد اقتصادی همسان نیست. می‌توان کشور خاصی مثل ترکیه را در نظر آورد که در آن تولید ناخالص ملی سرانه افزایش یابد ولی در عین حال نابرابری درآمد بیشتر شود؛ یعنی فقیرها فقیرتر شوند و دیگر هدف‌های توسعه نیز رشد منفی پیدا کنند. این وضعیت را می‌توان رشد اقتصادی همراه با توسعه منفی به شمار آورد که در آن به رغم افزایش میانگین درآمد، اوضاع اقتصادی توده مردم بدتر می‌شود و رفتارهای شخصی و گروهی به گونه‌ای که در آرمان‌های نوین سازی مورد نیاز است پیشرفتی حاصل نکرده است. این موضوع را می‌توان در اتفاقات جاری در مسائل اقتصادی سال ۲۰۲۱-۲۰۲۲ ترکیه مشاهده کرد.

در بین کشورهای منطقه همیشه ترکیه نمونه بارزی از یک کشور با توسعه پایدار اقتصادی بوده است که در طی دو دهه گذشته شمار زیادی از مهاجرت‌های داخل کشور به سوی ترکیه به همین دلیل اتفاق افتاده است. ترکیه کشوری با اقتصاد موفق بوده که توانسته بین بیست مدل برتر اقتصادی جهان رتبه‌های چشمگیری از آن خود کند.

۸- ترکیه، هاب انرژی اروپا

ترکیه به عنوان قدرتی نوظهور سعی در قدرت‌نمایی از طریق گسترش روابط اقتصادی خود با دیگر کشورها دارد. از جمله‌ی این روابط می‌توان از امکان تبدیل شدن ترکیه به هاب انرژی منطقه و اروپا اشاره کرد. در صورتی که ترکیه خود منبع انرژی ندارد ولی از طریق انتقال نفت و گاز روسیه به کشورهای دیگر، تبدیل به یک مرکز انرژی شده است. طبیعی است که از این طریق به درآمد اقتصادی بالایی دست می‌یابد. ترکیه با هدف افزایش تنوع و تداوم در تامین نیازهای انرژی خود، پروژه‌های خط لوله و ساخت خط لوله نفت و گاز طبیعی را با آذربایجان از یک سو و با روسیه از سوی دیگر آغاز کرده است.

نتیجه‌گیری

بازه زمانی ۲۰۰۲-۲۰۲۲ که حزب عدالت و توسعه بر ترکیه حاکم است را دوره‌ای می‌نامند که در آن سیاست‌های نئولیبرالی اجرا می‌شود. این دوره از نظر ساختاری متمایز شده و این تمایز در شاخص‌های اقتصادی و برنامه‌های توسعه منعکس می‌شود. با توجه به داده‌های موجود در پژوهش مشخص شد که بازتاب این دوره بر فضای کشور نیز متفاوت بوده است. جایگاه بین‌المللی

ترکیه در عرصه اقتصادی بسیار قابل توجه است. ترکیه در طول تاریخ پر فراز و نشیبی که در طول این دوران سپری کرده، توانسته جایگاه بسیار خوبی از نظر اقتصادی در سطح جهانی داشته باشد. این موفقیت مرهون سیاست‌گذاری‌های صحیح دولت در دو دهه گذشته بوده است.

ترکیه یک اقتصاد بازار آزاد است که در آن قوانین رقابت عمل می‌کند، بخش خصوصی نقش پیشرو در اقتصاد و مردم نقش نظارتی را ایفا می‌کنند؛ سیاست تجارت خارجی لیبرال اجرا می‌شود و کالاها و خدمات می‌توانند بدون مانع بین افراد و شرکت‌ها یا مؤسسات مبادله شوند. ترکیه در سال‌های اخیر به اصلاحات ساختاری در اقتصاد اهمیت زیادی داده است. روند خصوصی‌سازی تسریع شده، امور مالی عمومی تنظیم شده و اصلاحات مهمی در بخش‌هایی مانند کشاورزی، بهداشت، انرژی، حمل و نقل و ارتباطات با شروع و رونق بازارهای مالی آزاد انجام شده است. به کمک اصلاحات، زیرساخت‌های نهادهای اقتصادی تقویت شده و اقتصاد در برابر نوساناتی که ممکن است با ایجاد نهادهای خودمختار در بازارهای بین‌المللی رخ دهد، مقاوم‌تر شده است.

منابع فارسی

کتب

- جان بروکس و رابرت وین ایوانز (۱۳۸۶)، سیاست‌های اقتصادی کلان، ترجمه عبدا... جیروند، مؤسسه کتاب مهربان نشر
- نراقی، یوسف (۱۳۷۹)، توسعه و کشورهای توسعه نیافته، شرکت سهامی انتشار

مقالات

- نسا زاهدی و سیدابراهیم سرپرست سادات (۱۳۹۷)، اقتصاد سیاسی توسعه ترکیه، فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۴
- غائبی، محمدرضا (۱۳۹۵)، اقتصاد سیاسی روابط ایران ترکیه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی ام، شماره ۲
- گارینه کشیشیان سیرکی و سهیل سهیلی نجف آبادی (۱۳۹۸)، آثار سیاست دولت بر توسعه اقتصادی ترکیه و ادغام آن در اقتصاد جهانی (۲۰۱۷-۱۹۹۰)، فصلنامه علمی سیاست جهانی، شماره ۲۷
- محمدرضا صارمی و همکاران (۱۳۹۷)، جایگاه سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در ثبات سیاسی ترکیه پس از ۲۰۰۲، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۴۲
- موثقی، سید احمد (۱۳۸۰)، اقتصاد سیاسی ترکیه در فاصله سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۵۰، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۴

Turkish Resources

Kitabin

- Boratav, K. (2013), *Türkiye İktisat Tarihi 1908–2009*, Ankara: İmge Kitabevi
- Ersoy, N., & Hasgöl, N. (2015), *AKP İktidarı Döneminde Dış Politika*. Boğaziçi Gösteri Sanatları Topluluğu
- Karagöl, E. (2013), *AK PARTİ DÖNEMİ*. Ankara: SETA Siyaset, Ekonomi ve Toplum Araştırmaları Vakfı
- Kaya, E. (2015), *Dış Politika Değişimi: AKP Dönemi Türk Dış Politikası*. KSBD, 71-91
- Köse, A. H., Şenses, F., & Yeldan, E. (2003), *Küresel Düzen: Birikim, Devlet ve Sınıflar. İstanbul: İletişim*.
- SAKARYA, A. (2014), *Türkiye’de Ekonomi Politikaları ve*. megaron, 247
- Şaylan, G. (2003), *Değişim Küreselleşme ve Devletin Yeni İşlevi*, Ankara: İmge Kitabevi Yayınları.

Madde

- Adıgüzel, M. (2013), *Ekonomik Küreselleşmenin Türkiye Ekonomisine Etkileri*, Akademik Bakış Dergisi.
- Ağca, T. (2016), *Ak Parti Dönemi Türk Dış Politikasının Ekonomi-Politigi*,

Küresel Araştırmalar Merkezi

- Bayrak, M., & Kanca, O.C. (2013), **Türkiye’de 1970-2011 Yılları Arasında Oluşan Ekonomik Ve Siyasi**. Uluslararası Hakemli Sosyal Bilimler E-Dergisi, 14

- Eroğlu, N. (2003), **Türkiye’de iktisat politikalarının gelişimi**. Atatürk İlkeleri ve Tarihî Araştırma ve Uygulama Merkezi 80. Yılında Türkiye Cumhuriyeti Sempozyumu

- Kazancı, F. (2016), **Serbest Piyasa Ekonomisi ve İslam Ekonomisi Üzerine Karşılaştırmalı Bir Analiz**, Uluslararası İslam Ekonomisi ve Finansı Araştırmaları Dergisi

- Özdemir, H. (2013), **Demokrat Parti (DP) ile Adalet ve Kalkınma Partisi (AK P)’nin ekonomi politikaları açısından karşılaştırılması**. Uludağ Üniversitesi İktisadi ve İdari Bilimler Fakültesi Dergisi

Alan

- www.tuik.gov.tr

- www.tursab.org.tr

- www.data.worldbank.org

English Resources

Books

- Adham, K. (2005), **Globalization, Neoliberalism and New Spaces of Capital in Turkey**, United Arab Emirates University

- Balassa, B. (2008), **Trade Policies in Developing Countries**, The American Economic Review

- Harvay, D. (2005), **A brief history of neoliberalism**, New York: Oxford University Press

Article

- Andrews, S. (1999), **capital mobility and state autonomy**, International studies, 38